



بازگشت به قانون اساسی
اساسی قانون ته بیره راستیدل

گفتمان سیاسی محور مردم افغانستان بر گزار گردید

جامعه سیاسی افغانستان به خوبی درک کرده است که دولت موجود به بن بست رسیده است و چاره ای جز تغییر بنیادین نیست.

صفحه ۳



Thursday | 19 October 2017 | Year 01

سال اول | شماره اول | پنجشنبه: ۲۷ میزان ۱۳۹۶

سرمقاله

شورای تفاهم جریان های سیاسی به دنبال چیست؟



مواد فرمان تقنینی هم با روح قوانین نافذ افغانستان در قسمت (استخدام، انفکاک و عزل کارکنان دایمی و موقت نهاد های انتخاباتی) ادر مرکز و ولایات، در تناقض با قانون خدمات ملکی و قانون کار است و این مصوونیت شغلی کارمندان را با دخالت حکومت تهدید می کند.

صفحه ۲

بنسخته او سیاست



صفحه ۲

انتخابات یا سیاسی لوبی



صفحه ۳

تقدیر کنفرانس خبری گزارش سه ساله حکومت وحدت ملی



صفحه ۲

سخن نخست محور

پس از یک سال رأی زنی با نخبگان سیاسی، روشنفکران، رهبران و چهره های مردمی، نمایندگان جامعه ئی مدنی و زنان فعال سیاسی در کشور، سرانجام ساختار سیاسی به نام محور مردم افغانستان شکل گرفت. این ساختار به عنوان ابوزیون با ارایه برنامه و نقد درئی بازگشت به قانون اساسی و نهادینه کردن مشروعیت سیاسی است. محور مردم افغانستان جریان سیاسی با تدوین منشور، خطوط اساسی و برنامه عملیاتی خود در کابل به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد. محور مردم افغانستان با تدوین طرح بدیل و طرح مساله مشروعیت سیاسی و بازگشت به قانون اساسی را یکی از زمینه های رسیدن به ثبات و دولت قانونمدار میبداند. حکومت وحدت ملی که از میانی مشروعیت سیاسی برخوردار نیست و به اساس توافقنامه سیاسی شکل گرفته است، این حکومت در تجربه سه ساله خود ثابت کرد که از عهده مدیریت سیاسی و رهبری افغانستان به در نمیاید.

صفحه ۲

محور مردم افغانستان

بازگشت به قانون اساسی
اساسی قانون ته بیره راستیدل



- +93(0) 791044444
- Info@mehwar.af
- Mehwar.Mardom
- Mehwar.Mardom
- www.Mehwar.af
- Kabul - Afghanistan

تبلیغات شما در اینجا!

سرمقاله

ادامه از صفحه اول

شورای تفاهم جریان های سیاسی...

در این دوره نه تنها دولتمداری توسعه نیافت، بل و مامداران موجود در نقش قانون و پایمال کردن آرمان و عهد خود بسسه گونه توصیف نابذیر آن سنگینی و بی مبری کردند. چنانچه قانون اساسی بارها نقض گردید و مبارزه علیه فساد هیچ صورت نگرفت و خویش سالاری و بنارگرای در قدرت و سیاست به اوج خود کلامگی و فرون طلبیها رسیده. شرایط امنیتی با گذشت هر سال بدتر شد و بحرانسیاسی فراگیر گردید. حتا حکومت وحدت ملی در جریان سه سال نتوانسته هنوز کابینه خود را تکمیل کند. در زمینه های دیگر نیز این حکومت در رکود است. ففردام گستر شده و افغانستان به گونه میدان رقابت های استراتژیک فرار گرفته است. در عرصه سیاست خارجه نیز افغانستان مدار انزوای تدریجی را دارد طی می کند. در واقع پنج حلقه سیاست خارجه افغانستان در منطقه هیچ نتایجی از پیروزی را در خود ندارد. زیرا افغانستان در تروپ دچار چالش های زمینگیر کننده است. همان مقوله معروف سیاست روابط بین الملل است که سیاست خارجه سیاست داخلی است و با کنش نیرومند سیاسی داخلی است. در چنین حسانی میشود گفت که اوضاع نابه سامان سیاسی و عدم اعتماد ملی بالای سیاست خارجه ای کشور نیز سایه افکنده است. ما در پیکار از چنین وضع نابه سامان سیاسی به سمت دولتمداری قانون و نهادینه کردن مشروعیت هستیم. ما باور داریم که این امر سازنده باره اندازی یک انتخابات دموکراتیک و قابل قبول مردم افغانان تحقق میدهد. مشارکت در انتخابات و نهادینه کردن مشروعیت یکی از خواست های بنیادین ملت. روی همین ما مطرح بازگشت به قانون اساسی را مطرح کرده ایم و این ضرورت مردم جامعه سیاستمدار است که به قانون و مشروعیت بازگشت کنند. یعنی مبانی مشروعیت ساختار قدرت در قانون اساسی ذکر است که با راه اندازی انتخابات دموکراتیک و شفاف صورت میگیرد. روی همین محور مردم افغانستان به عنوان اپوزسیون در پی گرفتن قدرسیاسی از طریق انتخابات و از ایه خدمت و برنامه برای مردم است. محور مردم پاروئند است که مردم بحک مشروعیت و مبانی اساسی نظام را شکل میدهند. در واقع شاخه اساسی نظام مردم میباشد که با استفاده از رای خود چگونگی نظام را مسیر میبخشد و ناظر بر عملکرد آنها. مردم همه کاره و صاحب اقتدار در نظام های دموکراتیک اند زیرا دموکراسی ها در دولتتاریهای جدید ذات فسفورت را دچار تغییر و تمکین کننده مردم کرده اند. یعنی دیگر قدرت نهایی نوتالیت و نمایندخواه در جهان جدید و شهروندان جدید رونق ندارند. وظیفه ماست که حکومت وحدت ملی از مسیر نوتالیتی و عدم مشروعیت بازآریم و قدرت را دوباره به مردم بازگشت دهیم. این جریان را راهبرد و برنامه های مدون سیاسی در این است که مشروعیت به عنوان مبانی اساسی نظام تحقق یابد. مردم شاهد انتخاب قدرت سیاسی به عنوان دستگاه تسهیل کننده خدمت کم باب برای خود باشند. پس از انتخابات مناسبه مهندسی آرای مردم سبب شد تا نقاب سرتوتت آرای مردم را تعیین کند. محله برقی محور مردم افغانستان در ساختار دوهفته نامه از این پس به فعالیت خود در عرصه های گوناگون خواهد پرداخت. ما باور داریم که روتنگری و فعالیت هدفمند سیاسی میتواند کشور را از بحران به سمت توسعه و سامانسیاسی سوق دهد. سرگزاری انتخابات شفاف و دموکراتیک اولویت کاری دولت است تا بتواند زمینه ساز اعتماد و مشارکت گسترده مردم گردد. محور مردم افغانستان در راستای نهادینه شدن مشروعیت باورمند به مشارکت در انتخابات است تا از طریق آرای مردم مشروعیت به ساختار نظام بازگشت داده شود و مردم بتوانند با استعمال رای خود در بسفر شفاف و دموکراتیک آینده سیاسی خود را تعیین کنند.

تعیین کمیسیون تا تمامی مراحل انتخابات، نظارت کند.

۴- نبود اراده راستین سیاسی از نشانی حکومت برای برگزاری انتخابات های افغانستان.

۵- نبود اراده سیاسی در رهبران حکومت به منظور آوردن و نهادینه کردن اصلاحات انتخاباتی. بنابراین باورمندی به روند های مردم سالاری و دموکراتیک و تجربه های ناکام انتخابات گذشته می رساندکه باید نقش جریان های سیاسی، احزاب، نهاد های مدنی و رای دهندگان در پروسه انتخابات تسجیل گردد. بنابر دلایل حقوقی، تخنیک و سیاسی فوق شورای تفاهم جریان های سیاسی به این باور است که:

۱- استقلالیت کمیسیون کنونی انتخابات جدا زبر سوال است و این کمیسیون بدین ترکیب و به دلیل عدم استقلال، توان برگزاری انتخابات شفاف و عاری از تقلب را ندارد و مورد اعتماد مردم و جریان های سیاسی نیست.

۲- عملکرد حکومت نشان می دهد که فرایند انتخابات از همین اکنون مهندسی شده است.

۳- حکومت با اقداماتی که انجام داده است مردم و همه جناح های سیاسی رابه شدت نسبت به انتخابات و پیامد های ناگوار آن نگران ساخته است. جهت برگزاری انتخابات شفاف، آزاد و عادلانه و جلوگیری از رفتن انتخابات به بحران شورای تفاهم جریان های سیاسی، خواست های ذیل را ارایه می کند:

خواست ها:

۱. کمیسیون های کنونی لغو، کمیستراتن و روشای کمیسیون های انتخاباتی در اسرع وقت عزل و به جای آنها حکومت وحدت ملی در توافق با احزاب سیاسی، نهادهای مدنی و شخصیت های مطرح سیاسی، اعضای واجد شرایط دیگری را، معرفی و تعیین نمایند.

۲. اصلاحات بنیادین که قناعت همه بی طرف ها و جهت های سیاسی افغانستان را حاصل کرده بتواند، آورده شود. در صورت عدم تمکین به خواست های شورای تفاهم جریان های سیاسی، این شورا در مشورت به مردم افغانستان و جهت های بین المللی و نهادهای ذیدخل طرح بدیل خویش را ارایه خواهد کرد. این شورا به حکومت وحدت هشدار داد که اگر این خواستهای مشروع در نظر گرفته نشود و حکومت نخواهد که اصلاحات بنیادین به میان نیاید! شورای تفاهم جریان های سیاسی طرح بدیل خود را در چارچوب گسترده و مردمی به مردم افغانستان پیشکش خواهد کرد. امریکه دولت را چاره جز تمکین به آن ندارد.

پس از ماهه رای زنی و ایجاد همگرایی سیاسی، میان جریان های سیاسی، شوراهای مردمی و جنبش های مدنی، سرانجام شورای تفاهم جریان های سیاسی شکل گرفت و این شورا موضع مشترک خود را رسماً در کابل طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد. راه اندازی کنفرانس مطبوعاتی را که با درایت و پشتکار اجرایی محور مردم افغانستان شروع شده بود با اشتراک و مشارکت کاری جریان های سیاسی مانند: شورای عالی ایتلاف برای نجات افغانستان، شورای حراست و ثبات افغانستان، محور مردم افغانستان، جبهه نوین ملی افغانستان، جنبش رستاخیز تغییر، جنبش گذار، شورای وحدت ملی قندهار، شورای لوی مشرفی، کمیسیون انسجام احزاب و نهادهای مدنی کشور، حزب متحد ملی افغانستان، این شورا را به منظور کار مشترک روی مسایل سرنگ ملی، بی دیزی کردند. چنانچه روز شنبه تاریخ ۱۵ میزان کنفرانس مطبوعاتی موضع مشترک و رسمی این شورا برگزار گردید. کنفرانس با نمایندگی محور مردم افغانستان گرداندگی و مدیریت شد و در مورد فلسفه وجودی شورای تفاهم جریان های سیاسی، نمایندگی جبهه نوین افغانستان سخنرانی کرد و سپس موضع رسمی شورای تفاهم جریان های سیاسی توسط نماینده حراست و



ثبات به مردم افغانستان پیشکش گردید. پس از ارایه متن، کنفرانس مطبوعاتی از سوی نماینده شورای عالی ایتلاف برای نجات افغانستان، نتیجه گیری شد و به پرسش ها نمایندگان جنبش رستاخیز تغییر، جنبش گذار، حزب متحد ملی و شورای عالی قندهار پاسخ گفتند. برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در مورد انتخابات با توجه به پیشینه سیاست ورزی از نشانی احزاب و جریان های اپوزیونی یک امر، بی پیشینه بود، زیرا برای نخستین بار بود که جریان های بزرگ سیاسی در چارچوب یک کار مشترک، توانستند راهبرد و مانیفیست مشترک را در باره انتخابات پیشکش کنند. شورای تفاهم جریان های سیاسی روی موارد اساسی و مهم انتخاباتی موضع رسمی خود را اعلام کرد و با ارایه متن حقوقی، سیاسی و تخنیک، نهادهای انتخاباتی موجود را نهادهایی خواند که توان مدیریت و رهبری انتخابات را نخواهند داشت، زیرا از کارکرد و انتصاب کار گزاران ارشد این نهاد ها یک سال می گذرد ولی تا کنون اینها نتوانستند کار محسوس و امید بخش برای دموکراتیزه کردن انتخابات انجام دهند.

الف: دلایل حقوقی:

۱- طبق صراحت قانون اساسی، ضرورت عاجل برای صدور فرمان تقنینی جدید در قبال انتخابات دیده نمی شد.

۲- ماده ۹۰ قانون اساسی تصویب، تعدیل و لغو قوانین و فرمان های تقنینی را از صلاحیت های شورای ملی عنوان کرده است نه از صلاحیت های رئیس جمهور.

۳- مطابق به ماده ۱۰۹ قانون اساسی، شورای ملی

تقلبات سیستماتیک دست داشتند به سمت های دیگر حکومتی مقرر شده اند.

۵- مطابق به فرمان تقنینی دخیل ساختن شورای امنیت و اعضای آن در امور انتخاباتی، انحراف از اصل شفافیت، نقض و پایمال کردن فرایند دموکراسی است. شورای تفاهم جریان های سیاسی با مطرح سازی موارد زیرین به عنوان بزرگترین رویکرد انتقادی به مساله لغو رهبری ارشد کمیسیون ها پرداخت.

ب: دلایل تکنیکی و عملیاتی:

۱- نبود ظرفیت لازم تخصصی و مسلکی مدیران ارشد در کمیسیون های انتخاباتی.

۲- نبود افراد مستقل و متعهد به منافع ملی و باورمند به روند های مردم سالاری در رهبری و مدیریت اجرایی کمیسیون های انتخاباتی.

۳- نداشتن دستاورد محسوس و ملموس رهبری کنونی در کمیسیون های انتخاباتی در مدت یک سال گذشته کاری.

۴- موجودیت فساد اداری، مالی و سیاسی در کمیسیون های انتخاباتی.

ج: دلایل سیاسی:

۱- عدم استقلالیت فکری در تصمیم گیری کمیسیون های انتخاباتی، اختلافات درونی و وابستگی مطلق شان به حکومت وحدت ملی.

۲- مداخله صریح حکومت در کارهای کمیسیون های انتخاباتی درسطوح گوناگون اجرایی.

۳- نبود راهکار و نهادهای مشخص نظارتی فراگیرکه بتواند همه روند انتخابات را از مرحله

گفتمان سیاسی محور مردم افغانستان برگزار گردید

■ محور مردم افغانستان به ادامه فعالیت‌های سیاسی و برنامه‌های فراملی‌اش، این بار در کابل گفتمان سیاسی را تحت عنوان (حکومت وحدت ملی پس از سه سال) راه اندازی کرد. در این گفتمان اعضای رهبری محور مردم افغانستان، شخصیت‌های سیاسی، فعالان جامعه‌ی مدنی و نهادهای سیاسی - فرهنگی، احزاب، نمایندگان مجلس، نویسندگان و کارشناسان سیاسی اشتراک ورزیدند. گفتمان سیاسی محور مردم افغانستان از ساعت ده صبح الی دو پس از چلش ادامه یافت. قابل یادآوری است که در جریان گفتمان، مباحث آزاد و پرسش و پاسخ سیاسی نیز پی‌ریزی شد که مباحث گوناگون و تحلیل‌های اساسی از نشانی مهمانان و شخصیت‌های سیاسی مطرح و مورد تبیین قرار گرفت. این گفتمان با سخنرانی آقای حامد صبوری عضو رهبری محور مردم افغانستان گشایش یافت. آقای صبوری نیاز گفتمان و راه اندازی مباحث سیاسی را یکی از اولویت‌ها و نیازهای مردم جامعه سیاسی افغانستان تلقی کرد و از اشتراک کنندگان این گفتمان سپاسگزاری نمود. در گفتمان سیاسی محور مردم افغانستان در گام نخست با سه رویکرد با سخنرانی آقایان عین‌الدین بهار ربیسی اتحادیه حقوق دانان افغانستان، آقای صدیق پتمن عضو جبهه نوین افغانستان، آقای اصف آشنا فعال سیاسی در حول سه مساله زیرین بحث و ارزیابی قرار گرفت.

2- استراتژی جدید آمریکا و بسته‌های خارجی افغانستان
سخنرانان و اندیشمندان این بحث با رویکرد هم‌اندیشه و سیاسی به تبیین و ارایه نگرش‌های خویش پرداختند. در بخش پایانی گفتمان سیاسی محور با سخنرانی دوکتور عبدالغفور آرزو و شیوای شرق به بررسی وضعیت صلح و جنگ و افغانستان و چالش‌های تروریسم پرداخته شد. جمع بندی این گفتمان توسط آقای مسعود ترش‌توال سخنگوی جریان سیاسی حراست و ثبات، صورت گرفت. در کابل گفتمان سیاسی محور با اشتراک صدها تن از نخبه گان و فعالان مدنی جامعه افغانستان، زمینه را برای مطرح کردن پرسش‌های ناپذیرترین پرسش‌های



سیاسی و مسایل دولت موجود مساعد کرد. در متن این گفتمان بن بست‌ها، چالش‌ها، فرصت‌های از دست رفته، بازخوانی استراتژی آمریکا، معضل تروریسم، مساله جنگ و صلح، چستی توافقنامه سیاسی، بحران مشروعیت به صورت بسیار کاربردی و نتیجه بخش مورد گفتگو قرار گرفت. اشتراک کنندگان در لایه‌های پرسش‌ها و ارایه تبصره هاشان به مساله مشروعیت و چه گونه‌ی بازگشت دولت به مشروعیت تأکید میکردند و از نخبه گان اشتراک کننده در گفتمان

- 1- بی‌امد های حقوقی و سیاسی توافقنامه ایجاد حکومت وحدت ملی.
 - 2- حکومت وحدت ملی و بحران مشروعیت سیاسی.
 - 3- چستی توافقنامه سیاسی.
- پس از پرسش‌ها و پاسخ‌های آزاد در مرحله نخست گفتمان، بخش دوم این گفتمان با مهمانان و کارشناسان دیگر مانند آقای دکتر جعفر مهدوی عضو شورای رهبری محور مردم و نماینده مردم در مجلس، آقای دکتر فرامرزمندا استاد دانشگاه، پیرامون دو گزینه زیر ادامه یافت:
- 1- بررسی پنج حلقه سیاست خارجی حکومت وحدت ملی.

محور مردم افغانستان، می‌برسیدند که جامعه سیاسی افغانستان به خوبی درک کرده است که دولت موجود به بن بست رسیده است و چاره‌ای جز تغییر بنیادین نیست. در واقع مردم افغانستان باید روی مکانیزم و طرح‌های جدید گذار از وضع موجود اندیشه کنند تا باشد زمینه برای داشتن ثبات و امنیت سیاسی و دولت پاسخده مساعد گردد. حکومت وحدت ملی، در سه سال کاری خود نتوانست مسیر رستگاری و توسعه سیاسی را طی کند. سیاستون حاکم نه تنها، فاقد اعتماد در میان مردم شده اند؛ بل شهروندان افغانستان به اینها به عنوان مسبب مشکل نگاه می‌کنند. روی همین واقعیت و نا به سامانی است که محتوای گفتمان سیاسی محور را بسیاری، به عنوان راه کار و زمینه ایجاد گفتمان تغییر عنوان ساختند خواننده گرامی! همانگونه ایکه از نام و فلسفه وجودی مفهوم گفتمان پیداست، گفتمان‌ها رویکرد تکثر معرفتی و پلورالیستیک دارند. بنابراین در این گفتمان شخصیت‌های گوناگون به بیان دیدگاه‌ها و نظریات متفاوت پرداختند. هویداست که ابراز نظرها، نقدها و تبیین مسایل، بازتاب دیدگاه کارشناسان و پژوهشگران است. محور مردم افغانستان از خود منشور و خطوط اساسی و اعلامیه‌های رسمی دارد. موضع این جریان در چارچوب همین متون انعکاس خواهد یافت. ما می‌خواهیم که زمینه برای شکل گیری گفتمان‌ها و نظریات گوناگون با در نظر داشت تساهل و مدارای سیاسی، ایجاد کنیم. گفتمان سیاسی محور در همین منظومه راه اندازی شد و به همین رویکرد به کار و تلاش خود ادامه خواهد داد. در موارد مهم مانند استراتژی جدید آمریکا و مباحث مهم سیاسی، موضع گیری‌ها و اعلامیه‌های محور مردم افغانستان نشر شده است و مخاطبان این جریان به منظور فهم موضع ما، می‌توانند این دیدگاه‌ها و نظریات را در سایت رسمی محور مردم افغانستان بخوانند.

■ سالار آزادی

محور مردم افغانستان

نهادینه کردن مشروعیت یگانه زمینه‌ای است که می‌تواند تضمین کننده ثبات و پایدار دولت در کشور تلقی شود. حکومت وحدت ملی یکی از بی‌اعتمادترین حکومت‌ها در عرصه‌های سیاسی افغانستان است. چالش‌های اقتصادی، گسترش ناامنی، عدم مبارزه جدی علیه پول شویی و فساد سیاسی و اداری، واگرایی و چالش‌های قوم‌سازي قدرت در افغانستان، همه و همه، ناشی از ناکارگی و عدم مشروعیت حکومت وحدت ملی است. در نتیجه عدم کارایی توافقنامه سیاسی و عدم تعهد حکومت کنندگان به مردم و ارزش‌های مردم سالار، دیده می‌شود که فقر و تنگدستی، ناامنی و بی‌کاری از میان شهروندان کشور قربانی می‌گردد. گفتمان سیاسی محور افغانستان می‌خواهد روایت واقعی و نگرش انسانی به منظور پایان دادن به همه چالش‌ها را بازتاب دهد. ما می‌خواهیم که افغانستان پروسه‌ی بیدولت سازی و نهادینه کردن قانون، رسیدن به عدالت و توسعه‌ی انسانی را مبتنی بر مشروعیت‌سیاسی طی کند. از دید ما، اوضاع نا به سامان کنونی و نبود شفافیت در دولت داری و ایجاد چالش‌های تباری در کشور راه رسیدن این کشور را به توسعه و ثبات، به بن بست کشانده است. مسوولیت تاریخی و ملی نخبه گان و نهادهای سیاسی کشور است که با ایجاد گفتمان و توسعه جرد نقاد، شهروندان کشور را از بن بست و نا به سامانی نجات دهند؛ زیرا ساختوساز و بازگشت به قانون انسانی و

■ سالار آزادی

انتخابات یا سیاسی لوبی

■ دا به عادلانه قضاوت نه وی چی که وویو د افغانستان تیری لوبی سیاسی لوبی وی، بلکه به توله نری، کی له لوبی لوبی سیاسی کنی پورته گیری خو ویلی شو هر خلی به افغانستان کی لوبی لوبی سیاسی شرمونکو لوبی به توگه ترسه شوې دي له دي لوبی لوبی به تیرتیرانو خپله گته اخیستی او کورنیو لوبی لوبی خپله پایله به خه وه هماغه چی اوس یی نه دنیا مخه نیولی شی او نه هم افغان حکومت، خو قربانی یی یی وزله افغانان دي دغه خوړیدلی ولس چی به انتخاباتی کمپاینو کی ورسره د شتو پانغونو د بډولو ژمنه شوې وه خو چی کله واک ته ورسیدل بیا نه غواوه او نه یی شیدی، یوازې هغه وړې غیږې چی خلکو ته وبل شوې وې چی نور به وړې نه پاتی کیږي پوره نه شوې بلکې، وز کار تیا اوج نه ورسیده، د وړودو کسانو نازي تر آسمانه اوچی وې. هره ورځ مو په لسگونو خوانان د امنیتي ځواکونو په لیکو کی دجنس په کولی شهیدان، سیاسی ثبات هره گړی له گواښ سره مخ دی نو ویلی شو چی دا دهماغه لوبی لوبی پایله ده چی په نتیجه کی له نیمی اونوقوع وک دوه سړی حکومت رامنځ ته شو. له ژمنو اخوا به انتخاباتی کی درغلی، د رایو جعل نقلی ارقام، دا ټول سبب شول چی د افغانستان به کورنی او بهرني سیاست کی ښکېلی کړي او د انتخاباتی اصلاحاتو د راوستو غړو وکړي انتخاباتی اصلاحات هغه خه دي چی جمهور ریس اشرف غني او د هغه اجرایه ریس پاکتو عبدالله عبدالله تر نن پوري پکې پاتی راغلي دي. د انتخاباتی کمپاینو د ژمنو پوه برخه دا وه چی محمد اشرف غني به به هیواد کی فساد له منځه وړي، په تیرو دريو کلونو کی مونږ شاهد یو چی نه یوازې دغه اراده له منځه ولاړه نشوه بلکې په پراخه توگه به دولتی ادارو کی لاهم دود او خلک یی له سترو ستونزو سره مخ کړي دي. د حکومت د دريو کلونو په تیریدو سره به دې اړه د هغې سیاسی ارادې څرک نه لگي چی ولسمشر به خپلو انتخاباتی کمپاینو کی پرې خپل کومی زیر او د خلکو غوږونه یی کانه کړي ول. امنیتي ستونزې، او له هغې سره جوخت بیرو کراسی هغه ناوړین دی چی افغانستان یی بوخل بیا له سختو ستونزو سره مخ کړی او هغه گوتی چی به لوبی لوبی کی درای وړ کړی لپاره پرې شوې د یوې تشی قرسانی به توگه د خلکو مسترگو ته دروي ولسمشر یو بل نمایشی پروگرامونه عملی کړي چی گواکې دی هماغه د کمپاینو د مهال کانديد وو چی له خلکو سره یی ژمنی کولې به لوړو حکومتی خوکیو کی د یو شمیر هغو څیرود پر ځای کول چی ولسمشر یا اجرایه ریس ته یی کمپاینونه کړي ول گمارل بل گواښ دی چی دیهودا ثبات یی له یوه ستر ناوړین سره مخ کړی دی. نو به پای کی ویلی شو چی د انتخاباتی لوسو د پایلو اصلی قرسایتان دا ولس دی چی نور یی زغم له سره اوښتی او له حکومت نه غواړي چی خپلی انتخاباتی ژمنی دي پوره کړي.

■ حمیده عثمان



بسخه او سیاست



شرایط پورې تړلې ده، خو زموږ په هیواد کې فقهی توپیر لري ډیر خلک په ټولټاکنو کې د ښځو گډون کورنیو شرایطو پورې تړلې وي. بله مسئله چې د پام وړ ده هغه داده چې ډیری افغان ښځې په غیر مستقیمه توګه په ټولټاکنو کې برخه اخلي په دې معنی چې یا یې رایه د نارینه وو له خوا کارول کیږي یا داچې د کانديد انتخاب یې د نارینه وو له خوا وي. په هر صورت دا په سیاست کې زما د هیواد د میرمنو د ونډې اخیستې یوه بېلګه وه. کم سوادې

پا پې سوادې دې پېرو مسایلو لامل دی خو داچې دوی د نورو له خوا له سیاست څخه لرې ساتلې کیږي دا هم مهمه مسئله ده. دا په درې برخو ویشو:
۱ ښځه د ښځو له خوا له سیاست څخه لرې ساتل کیږي
۲ ښځه د نارینه وو له خوا له سیاست څخه په برخې ده
۳ په خپله ښځه له خپلې سیاسي کچې برخه واخلې
لومړۍ برخه یې زموږ په هیواد کې په وروستیو کلونو کې په یو دود بدله شوې مسئله ده که زموږ سیاستمداري ښځې واک ته رسېدلې یا یې د خپل قوم څخه ښځې په خپل وزارت کې گمارلې او د نورو قومونو میرمنو له یې لرې ولده ودرکړې او یا یې د ښځو د پرمختګ مخه نیولې ده. او یوازې یې د ځان لپاره خدمت کړی دی، همدا نن د هیواد لومړۍ لاسمن رولانځني یې یې گڼل د هغو مرستو واکداره ده کومې چې تښتې یې د افغان ښځو د ظرفیت د لوړولو لپاره کوي.

افغاني تلخو ترلاسه کوي چې کلتی مجبومي تلخو یې ۲۲ میلیونه افغاني کیږي او پلعمه دې څخه زیاتې به ددوی د خدماتو او دفتر مصارف وي چې د کابل شاوخوا ۶۰ میلیونه افغانیو ته رسېږي چې په غیر قانوني او سلیکوي ډول باید هر کابل دې یې وژلي ولس نکس او مالي څخه مصرفېږي دا په داسې حال کې ده چې زموږ یو عادي سامور یا کارمند په نورو ادارو کې یوازې شاوخوا ۶۰۰۰۰ افغانی معاش لري
۲ په تیرو څه پانډې دوو لسيزو کې په پارلماني انتخاباتو کې د ښځو گډون او په ملي شورا کې د هغوی حضور د پام وړ دی خو په حکومتي لورو څو کليدې کې د ښځو شتون د اندېښنې وړ خبره ده په دې کلونو کې هېڅ یو کليدې وزارت کې ښځه د وزیرې په توګه گمارل شوې نه ده د ښځو چارو وزارت یو سبیلوګه وزارت گڼل شوی پالیسي جوړونکې او پالیسي او پروگرامونه یې د افغان ښځو د ستروګو د هوارولو لپاره کافي نه گڼل کیږي. د امنیتي ځواکونو په لیکو کې ښځې د جنرالي له رتبې اوښتې خو څه څه دوی د مصوبت احساس نه کوي ځکه دوی ته لاهم د یوې دوهمې درجې انسان په سترګه کتل کیږي.
۳ دا مسئله هم ډیره مهمه ده ښځه په خپله نه غواړي په سیاست کې گډون وکړي پوښتې راپورته کیږي چې ولې؟ لومړۍ څو داسه راکه وړې د سیاست په اړه د ښځو په منځ کې عامه پوهاوي نه. په وروستیو کلونو کې زموږ په هیواد کې د ښځو سیاسي فعالیتونه یوازې څو څیرو پورې محدود شوي چې څه نا څه د یوه نسله دي که څه هم ددوی سیاسي فعالیتونه د پام وړ دي خو اړینه ده چې د نوي نسل سیاسي فعالیتي هم د نوي سیاست په ګاڼه سمبال او هیواد ته د خدمت جوړه شي. موږ په دې باور یو چې که د هیواد په سیاسي واک کې د ښځو حضور پیاوړی شي نو دا به د ولسواکي په لور یو ګام وي که نن سیاسي فضا ککړه او ولس تښتې سخت زیانمن دی خو همدا لارې سیاسي نسل ګولای شي له تیرو تجربو څخه په ګټې د سوکالي لپاره او د هیوادوالو د هوساینې لپاره د سیاسي واک د اخیستو په لور کولې ګامونه پورته کړي.

نقد بر کنفرانس خبری گزارش سه ساله حکومت وحدت ملی

سارزه غلیه فساد اداری و فسادسیاسی در ساختار نظام افغانستان همیشه یکی از چالش‌های اساسی بوده است. هر رژیم و دولتی ای که در افغانستان شعار مبارزه علیه فساد اداری را شروع کرده بنا برنمود راهبرد موثر و اراده سیاسی به شکست مواجه شده است. درمدت بیش از یک نیم دهه، شعار مبارزه علیه فساداداری دیده می شود که هنوز هم، یکی از چالش‌های اساسی فرا روی دولت افغانستان فساد سیاسی و فساداداری است. یعنی در واقع دولت افغانستان یکی از ناکام ترین دولت‌ها در جهان، در امر مبارزه علیه فساد اداری می باشد. حتی این دولت نتوانسته از تجربه موفق کشورهای جهانی استفاده کند. در حالیکه مبتنی بر تجربه‌ی سیاسی مبارزه علیه فساد اداری در کشور سنگاپور باید گفت که مبارزه کارا و نتیجه بخش علیه فساداداری صورت گرفته و در مدت چهارسال دولت سنگاپور نتوانست علیه این چالش خود مبارزه کند. در افغانستان طرح و راهبرد سیاسی ای که می‌توانست این پدیده شوم را نابود کند متأسفانه شکل نگرفت و مردم افغانستان قربانی پدیده

حکومت‌داری خوب است. اینکه حالا رابطه قدرت سیاسی و حکومت افغانستان با مردم عمومی است و از داشتن پیوندهای افقی با مردم، هرآنکه به نظر می رسد دلیلش این است که مولفه های گذار به جهان وره و سازوکار جدید سیاسی را نهادینه نکرده اند. از سوی دیگر مردم افغانستان کوچکترین اعتماد به وعده ها و برنامه های حکومت ندارند. زیرا هرگونه برنامه و شعار حکومت داری از نشانی سیاسیون حاکم در کشور، عملی نند و سبب شد تا به عنوان روش‌های فریبنده تلقی گردد. حالا به نازکی حکومت وحدت ملی در استانه ختم دوره کاری خود، عنوان کرده است که برای حل چالش فساد در کشور، استراتژی و نقش راه مبارزاتی خود را تدوین کرده است. از نظر مردم افغانستان این استراتژی اگر دو سازه و مولفه اساسی را نداشته باشد بازم رویکرد پوپلیستی و وعام زدگی را به خود خواهد گرفت. چنانچه از محتوای این استراتژی پیداست که دارنده این دو گزینه کارا نیست. یعنی باید راهبرد مبارزه علیه فساداداری بر علاوه از رهافت‌ها

نیود اراده جدی سیاسی در امر نهادینه کردن اصلاحات، نبود شفافیت و حسابدگی در روند پروژه‌ها و قراردادهای بزرگ، انحصارگرایی در پروسه‌های تدارکات ملی نبود پروسه ساده‌سازی و اصلاح ساختارستنی نهادهای دولتی، نبود پروسه غیرسیاسی لیت ذرابی‌های افراد بلند رتبه دولتی، همه ناشی از نبود اراده سیاسی حکومت وحدت ملی است. در واقع اراده سیاسی منطبق و تصمیم و برنامه اجرایی دولت است که هم سبب ایجاد مشروعیت و کارکرد نظام می شود و هم سبب ایجاداعتماد سیاسی میان مردم و دولت می گردد.



سرطانی فساد اداری شده اند. پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی مسئولی برنواقتنامه سیاسی، رژیم برخاسته از تفاهم سیاسی، با چالش‌های سنگین و زمینگیر کننده سیاسی رو به گردید. هرچند نظام دارن وسایبون حکومت وحدت ملی با شعار مبارزه باچالش های سیاسی رویکار آمدند ولی دیده شد که این رژیم در برابر چالش‌ها و بن بست‌های سیاسی موجود کوتاه آمد و نتوانست مبارزه نتیجه بخش را انجام دهد. فساد اداری نه تنها کارایی نظام را برهم زد، بل این پدیده سبب بی‌اعتمادی در سطح بین المللی شده و اورتوره مردم افغانستان را ضعه زده است. از سالیان درازه این سو برپوندهای بزرگ فساد اداری همچنان بدون توجه و بررسی واقعی مانده است و کمتر مقامی است که در فساداداری اشته نباشد. عدم رسیدگی به پرونده‌های بزرگ و ملی از نشانی دولت و نهادهای قانونی، سبب ایجاد واگرایی مردم از دولت و بی اعتمادی جامعه‌ی جهانی گردیده است. در حالیکه پروسه دولت‌داری و گذار جامعه افغانستان از ساختار سنتی و ماقبل مدرن به سمت دولت داری جدید و مدرن نیازمند مبارزه جدی علیه این چالش‌ها و نهادینه کردن

۲- **تطبيق قانون:** دولت قانون یکی از ویژگی‌های دولت‌داری مدرن و شهروند گراست. دولت‌های قانونمدار و قانون گرا دولت‌های کارا و پایدار و مردمسالار اند. به روایت دیگر رویکرد مردم‌سالاری یک دولت را از میزان قانونمداری و تطبيق قانون، بالای حکومت شوندهگان و حکومت کنندگان آن، می‌توان به داری گرفت. حتا می‌توان بیگ و ترازوی سنجش میزان مشروعیت، کارکرد و سیالیت نظام‌ها و دولت‌ها را در چارچوب تئوری‌های مردم‌سالاری، منوط به گرایش و تعهد دولت‌ها نسبت به قانون دانست. حتا تطبيق قانون می‌تواند راهکار و زمینه را برای نهادینه کردن مشروعیت و کارایی نظام فراهم سازد. زیرا حکومت داری خوب برآیند تطبيق قانون به صورت فراگیر و عادلانه است. حکومت وحدت ملی، نه تنها در راستای تطبيق قانون کاری نکرده است بل خود در بسیاری از بخش‌ها چالشی شده است برای حکومت داری خوب. به گونه مثال: فرستان فرمان به نهادهای قانونی و منحصر کردن صلاحیت‌های سازنوالی کشور در چارچوب یک کمیسیون خود مانع اجرایی‌شدن قانون و مراعات استقلالیت این نهاد می‌گردد. یک جا سازی اداره ارگان‌های محلی با ریاست دفتر مقام ریاست جمهوری و دوباره جدا سازی این دو نهاد نوع بروکراسی و کار در یستر تا به هنجاری سیاسی است. روی همین تا تضادها و کش های غیر قانونی از انداموار حکومت زده شده، نمی‌شود که مبارزه بی امان و نتیجه بخش علیه فساد اداری انجام داد قانون گرای می تواند نخستین مولفه سازنده و کارا در امر مبارزه علیه فساد پنداشته شود. دولت هاییکه این دو ویژگی را در امر مبارزه علیه فساد اداری نداشته باشند به هیچ صورت نمی‌توانند. چالش‌های خود را حل کنند. استراتژی جدید حکومت وحدت ملی که دارای پنج شاخصه اساسی است که از حکومت داری سالم شروع می‌شود تا ایجاد دادگاه ویژه برای محاکمه فساد پیشه گان، دو امر مهم، اراده سیاسی و راه کارهای بنیادین تطبيق قانون را در خود ندارد. این استراتژی نه تنها از عناصر سازنده مبارزه علیه فساداداری برخوردار نیست، بل در فقدان اراده سیاسی به سر می برد. حکومت وحدت ملی با ساله فساد به عنوان یکی از چالش های اساسی، برخورد صورتی کرده است و در مدت سه سال نتوانسته است که گام های مؤثری در راستای مبارزه علیه فساد اداری بردارد.

زمینه‌های دیگر باید دو امر را به عنوان اساسی‌ترین رویکرد داشته باشد.
۱- **اراده‌ی سیاسی:** دولت زمانی می‌تواند برنامه ها و راهکارهای خود را نهادینه کند که از اقتدار و مشروعیت ساختاری کامل برخوردار باشد و امرش در سطوح پایینی و بالایی نظام به صورت فوری اجرا گردد. دیده می‌شود که نبود اراده‌ی سیاسی سبب شده است تا بسیاری از مقام های متهم به فساد اداری هنوز در ساختار نظام سهولت دارند و بدون کدام بیسی اجرا وظیفه می کنند. متهم بودن این افراد به یول شویی و استفاده از قدرت سیاسی از یک طرف و موجودیت شان در ساختار نظام از سوی دیگر، سبب شده است تا جامعه جهانی و مردم افغانستان نسبت به اراده سیاسی حکومت تردید کنند. عدم تطبيق قانون فراگیر بالای همه،